

■ ما در حال حاضر ۴۲ هزار گروه جهادی شناسنامه‌دار داریم. نزدیک به ۸۰۰ هزار نیروی با انگیزه، همدگر و انقلابی که می‌توانند در عرصه‌های مختلف موفقیت‌های چشمگیری را رقم بزنند اما متأسفانه مسؤولان اجرایی کشور نگاهی به این ظرفیت‌ها ندارند



**گفت‌و گوی «وطن امروز» با سردار محمد زهرایی، رئیس بسیج سازندگی درباره تجربه عملی این نهاد در تحقق مدل مردمی سازی برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی واجتماعی**

# توسعه مردم‌پایه، رمز عبور از چالش‌ها

جمهوری اسلامی داشته باشند. اگر رئیس‌جمهوری، مؤلفه‌های قدرت داخلی خود را نشناسد، یعنی امکانات داخلی را نمی‌شناسد، کسی که در شناخت پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های خودش دچار خطای محاسباتی شود، در تعیین راهبردها و مسیرهای اجرایی هم دچار مشکل می‌شود.

اولین مؤلفه قدرت ما، اسلامی بودن‌مان است.اسلام بلا لایت به عنوان عمود این خیمه مؤلفه اصلی قدرت ماست، وقتی می‌گوییم اسلام، یعنی هم یک مجموعه آموزه‌ها و معارف، و هم یک بخش وسیعی از نقشه جهان؛ که به عنوان کشورهای اسلامی می‌شناسیم که با اینها پیوندهای عقیدتی داریم. این یک مؤلفه قدرت و یک ظرفیت است. اگر قوه مجریه روی همین یک مسأله متمرکز می‌شد، دوستان ما در جهان اسلام را درست می‌شناخت و درست برنامه‌ریزی می‌کرد، می‌توانست باب بزرگی از مبادات اقتصادی و فرهنگی را در بخش وسیعی از جهان، بیش از پیش گسترش بدهد و تحکیم کند.دومین مؤلفه قدرت ما، ایرانی بودن ما است. ایرانی بودن، یعنی یک پیشینه فرهنگی و هم یک گستره برفوذ فرهنگی در کشورهای همسایه که زبان اصلی آنها پارسی است. هوش، استعداد، مدارا، فرزادگی و نبوغ، همه جزو ظرفیت‌های فرهنگی ماست. سومین مؤلفه قدرت ما، انقلابی بودن است. این یعنی ما یک جمعیت بزرگ و یک نیروی انسانی ویژه‌ای داریم که حاضر است در قالب عمل جهادی، در هر عرصه‌ای حماسه‌آفرینی کند. یک انسان مجاهد، انگیزه‌اش و عملش فوق یک حاکم معمولی و ثرمال است. کاری را که یک جمعیت چند ده نفره کارمند، می‌کندی انجام می‌دهند، گروه کوچک جهادی می‌تواند خیلی سریع‌تر، بهتر و کارآمدتر انجام دهد. ما امروز یک جمعیت گسترده و متنوعی از جهادگران عرصه‌های مختلف داریم که در حوزه‌های گوناگون پزشکی، مهندسی، نظامی، آموزشی و... کارهای

بسیج سازندگی، یکی از نهادهای برخاسته از تفکر انقلابی است که توانسته در سال‌های گذشته با مدل مردمی‌سازی و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، بسیاری از پروژه‌های محرومیت‌زدایی و توانمندسازی اقشار آسیب‌دیده با آسیب‌پذیر را بخوبی به سرانجام برساند. به نظر می‌رسد این مدل، یک تجربه موفق برای گسترش آن به سایر عرصه‌های کلان کشور است. برای بررسی بیشتر مدل عملکرد این نهاد و آثار و نتایج آن، گفت‌وگویی داشتیم با سردار محمد زهرایی، رئیس بسیج سازندگی کشور. سردار محمد زهرایی در گفت‌وگو با «وطن‌امروز» از تجربیات عینی کار آمدی مدل «اتکا به ظرفیت‌های مردمی و داخلی» در جهت پیشبرد پروژه‌های توسعه و آبادانی کشور گفت.

■ جناب سردار زهرایی! چندین سال است در فضای سیاسی کشور ما، ۲ راهبرد مشخص درباره توسعه مطرح شده؛ یکی راهبردی است که برای مانع‌زدایی از تولید، سراغ غرب می‌رود و درد را در تحریم و درمان را در رفع آن می‌داند و دیگری راهبردی که برای مانع‌زدایی از تولید، استفاده نکردن و رها گذاشتن امکانات داخلی را در می‌بیند و درمان را در تکیه بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های داخلی و رهاسازی آنها جست‌وجو می‌کند. با توجه به اینکه کم‌کم وارد فضای انتخایات می‌شویم و دوباره این مباحث داغ خواهد شد، می‌خواستم نظر شما را در این باره بدانم؛ با توجه به اینکه حضر تعالی سال‌هاست در قالب ریاست‌بسیج سازندگی از نزدیک با موانع و چالش‌های کارگاه‌های تولیدی خرد، مسائل تولیدات روستایی و محرومیت‌زدایی دست به گریبان هستید.

اجازه بدهید برای پاسخ به این سوال، کمی مبنایی‌تر صحبت کنیم و بعد سراغ پاسخ‌های تجربی‌تر و عینی‌تر برویم. نکته‌ای را غالباً کاندیداهای ریاست‌جمهوری از خود روستای‌جمهور فراموش می‌کنند و آن هم این است که فکر می‌کنند وقتی رئیس‌جمهور شدند، نظریه‌پرداز نظام اسلامی شده‌اند و باید تئوری ارائه کنند، در حالی که این فکر غلطی است. مبنایی‌تئوریک نظام مشخص است؛ قوه مجریه یک دستگاه اجرایی است، یعنی باید

شروع نیاز دارند را در اختیارشان قرار بدهیم، خود به بهترین شکل ممکن کار را جلو می‌برند و همه موانع را از سر راه برمی‌دارند. این مدل تجربه‌شده باید در تمام عرصه‌های دیگر هم اجرایی شود. در سیاست، در فرهنگ، در اقتصاد، وقتی محوریت ما مردم شد، همه کارها جلو می‌رود. اصلاً یکی از کارویژه‌های نظام مردمسالار دینی این است که مردم را توانمند کند. وقتی مردم در عرصه سیاست مشارکت فعال داشته باشند، توانمند می‌شوند، دانش و بصیرت سیاسی آنها افزایش می‌یابد و انتخاب‌های درست‌تر و علمی‌تر می‌کنند، همین هم در عرصه اقتصاد صادق است. تا زمانی که شما دنبال این هستید که از موضع حاکمیت همه مشکلات را حل کنید، این فرهنگ را به جامعه تزریق می‌کنید که مردم بنشینند تا دولت‌مردان مشکلات را حل کنند اما وقتی کار را به مردم سپردید و دولت فقط مدیریت و نظارت کلان و حمایت‌لجستیکی کرد، آن وقت مردم دارای خلاقیت می‌شوند، خودشان فکر می‌کنند که چطور موانع را بردارند، بهره‌وری را بیشتر کنند، تولید را افزایش دهند. در عرصه فرهنگ هم همین‌طور. پس خلاصه کلام اینکه ما در بسیج سازندگی این مدل را تجربه کرده‌ایم و با یقین این مدل را به دولت‌مردان و هر کس که دولت بعدی را به دست می‌گیرد، پیشنهاد می‌کنیم؛ این مدل پانزهر تحریم‌ها و همه عقب‌ماندگی‌های کشور است.

■ لطفاً نمونه‌های آماری تجربه این موفقیت را در مجموعه بسیج سازندگی برای ما شرح دهید. همان‌طور که گفتیم ما سعی می‌کنیم با حمایت، جهت‌دهی و کم‌کمرسانی به گروه‌های مردمی، وظیفه خودمان در محرومیت‌زدایی و تحقق اقتصاد مقاومتی را عملی کنیم. نخستین چیزی که هر گروه مردمی برای راه‌اندازی یک کسبوکار نیاز دارد، منابع مالی است. شاید نخستین چیزی که به ذهن شما برسد این باشد که خب با حاکمیت باید پول راه‌اندازی این کسبوکار را بدهد یا باید از سیستم بانکی کشور به شکل وام این مبلغ دریافت شود. حتماً مستحضر هستید که گزینه اول تقریباً منتفی است، گزینه دوم هم سختی‌ها و مشکلات زیادی دارد. یک راهی که خود مردم به صورت خودجوش ایده داده‌اند و اجرا کرده‌اند و ما سعی کرده‌ایم از این ایده، حمایت معنوی کنیم و آن را در رسانه‌ها ترویج کنیم، صندوق‌های قرض‌الحسنه مردمی است که جهت راه‌اندازی کسبوکارها و اشتغال‌زایی به اعضای خود وام می‌دهد. شما باورتان نمی‌شود که همین سرمایه‌های مردمی، وقتی از طریق خود مردم یک جا جمع می‌شود و کاسلا در یک روند مردمی و غیررئوی برای افزایش اشتغال صرف می‌شود، چه کارهای بزرگی با آن صورت می‌گیرد. ما الان ۲۵ هزار صندوق قرض‌الحسنه در سراسر کشور داریم که توسط جوانان اداره

می‌شود و یک میلیون و ۱۰۰ هزار خانوار عضو این صندوق‌ها هستند. نزدیک به ۳۰ یا ۴۰ میلیارد تومان را اخیران به صورت بلاعوض به این صندوق‌های مردمی اشتغال‌زا وام داده‌اند. فعال‌سازی ظرفیت‌های خیران نیز از آن ظرفیت‌های مهمی است که باید برای آن، ساختارسازی و مدل‌سازی کرد.

همان‌طور که گفتیم جنس کارهای بسیج سازندگی، مردمی است، یعنی کوچک اما پر تعداد و پرتیراز، سال گذشته ۱۵ هزار پروژه از این جنس را به سرانجام رساندیم، مثل ساخت خانه بهداشت، مسکن روستایی، بازسازی خانه برای زلزله‌زدگان و... جالب است بدانید مجلس برای ما ۲ هزار میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته بود ولی یک ریال به ما ندادند، به هزار زحمت توانستیم بخشی از این بودجه را از هم با رازبانی با

بزرگی کرده‌اند و کارهای بزرگ‌تری را هم می‌توانند انجام بدهند. این وظیفه قوه مجریه است که بفهمد این نیروهای جهادی چه مؤلفه قدرت مهمی هستند و از آنها استفاده کند نه اینکه مثل الان، متأسفانه هیچ استفاده درستی از این ظرفیت مردمی و انقلابی نمی‌شود.

ما در حال حاضر ۴۲ هزار گروه جهادی شناسنامه‌دار داریم. نزدیک به ۸۰۰ هزار نیروی پرانگیزه، جوان، جهادگر و انقلابی که می‌توانند در عرصه‌های مختلف موفقیت‌های

چشمگیری را رقم بزنند اما متأسفانه مسؤولان اجرایی کشور نگاهی به این ظرفیت‌ها ندارند و آنچه خود دارند را از بیگانه تمنا می‌کنند. گروه‌های جهادی یکی از مصداق مؤلفه قوی شدن ایران اسلامی هستند. چهارمین مؤلفه قدرت ما، مردمی بودن ماست و مبنای انقلاب مردم‌پایه است و جهادگران به عنوان حلقه‌های میانی و مردم عمل می‌کنند.

■ فکر می‌کنم فرصت خوبی است از همین جا گریزی بزنیم به عملکرد بسیج سازندگی و اینکه این سازمان چه تجربه‌ای از مردمی کردن فعالیت‌ها کسب کرده است؟

ببینید! ماوریت ما در بسیج سازندگی، حمایت و پشتیبانی از گروه‌های مردمی و جهادی در جهت محرومیت‌زدایی و تحقق اقتصاد مقاومتی است. ما در این سازمان ساختار خفه بهداشت، مسکن روستایی، و اثر معجزه‌آسای آن را به وضوح و به شهادت آمار و ارقام دیده‌ایم. با تجربه‌هایی که داشتیم به این باور رسیده‌ایم که اگر مردم را وارد عرصه کنیم، از آنها حمایت و پشتیبانی کنیم، حداقل امکاناتی که برای

چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۰  
وطن‌امروز | شماره ۳۲۱۲  
[ **گفت‌وگو** ]

مراکز استانی احیا کنیم و برای پیشبرد پروژه‌ها به مصرف برسانیم. مثلاً یک پروژه انتقال آب برای یک روستا در دستور کار داشتیم، رفته‌ایم و از سازمان آب و فاضلاب منطقه بخشی از بودجه لازم را با رازبانی دریافت کرده‌ایم تا بتوانیم پروژه را به اتمام برسانیم. با این روش توانستیم بخشی از این بودجه را از دولت بگیریم اگر نه اینکه به صورت یکجا از سوی مرکز به ما بدهند تا بتوانیم بدرستی بین تمام کشور توزیع کنیم؛ اینگونه نبود.

نکته مهمی که خوب است بدانید و یکی از سندهای مهم حرف ما در اثبات کار آمدی مدل مردمی است، این است که ما با همین مدل مردمی، احیا، توانمندسازی، حمایت و تجمیع ظرفیت‌های مردمی و تشکیل قرارگاه‌های محلی، منطقه‌ای و استانی، مثلاً در همین سیل خوزستان و زلزله سرپل ذهاب، توانستیم پروژه‌هایی مثل بازسازی خانه‌های تخریب شده را با ۷۰ درصد هزینه دولتی آن به اتمام برسانیم. برای اینکه خوب منظورم را متوجه شوید اینگونه بگوییم که فرض کنید دولت یک بودجه‌ای را به ساختن یک خانه اختصاص داده، این بودجه در نهایت فقط تا مرحله سفیدکاری جواب می‌داده و کار ناتمام می‌ماند، حالا ما در بسیج سازندگی با ۷۰ درصد همان بودجه، کل خانه را ساختیم و تحویل داده‌ایم. چطور؟ با فعال کردن ظرفیت‌های مردمی، با استفاده از خیران، با استفاده از مدل مردمی‌سازی بازسازی مناطق آسیب‌دیده.

امسا درباره گروه‌های جهادی، همان‌طور که گفتیم ما الان ۴۲ هزار گروه جهادی شناسنامه‌دار داریم. واقعا دوست دارم شما بروید و از نزدیک کارهای اینها را مشاهده کنید. ببینید آیا کاری که این بچه‌ها با یک گروه‌های کوچک چندنفره انجام می‌دهند، یک اداره کل عریض و طویل انجام می‌دهد یا خیر؟ این بچه‌ها هیچ حقوقی هم دریافت نمی‌کنند و از جیب خودشان هم خرج می‌کنند. کجای دنیا چنین چیزی را پیدا می‌کنند؟

همین است؛ ما بنده با بسوز دل عرض می‌کنم دولت از این جوان‌های باانگیزه، خلاق و توانمند استفاده نکرده است و بعد هم برای درمان درها به دنبال یک منجی خارجی می‌گردد. هیچ منجی‌ای خارج از این مرزها برای ایران وجود ندارد. منجی ما، همین جوانان نجبه و باانگیزه و با غیرت و پر از شور و تحول آفرینی هستند. فکر نکنید که این نوع مدل فقط در پیشرفت داخلی ما موثر است، ما از این ظرفیت هم می‌توانیم در عرصه دیپلماسی استفاده کنیم. ما می‌توانیم همین مدل گروه‌های جهادی را به کشورهای اسلامی هم صادر کنیم؛ این ایده را ارائه کنیم تا در این کشورها هم گروه‌های خودجوش مردمی برای بازسازی کشورشان دست به کار شوند. چطور این مدل را دربره مسائل نظامی به کشورهای منطقه صادر کردیم و جوانان رزمندگی مثل حشدالشعبی تشکیل شدند که آن حماسه‌ها را خلق کردند. همین مدل را می‌توان در حوزه خدمات عمومی و محرومیت‌زدایی به کشورهای جهان اسلام منتقل و یک جبهه جهادگر مثل جبهه مقاومت در کشورهای اسلامی ایجاد کرد. آیا دستگاه دیپلماسی ما متوجه این ظرفیت‌ها و این ایده‌ها هست؟ متأسفانه خیر.

■ سخن آخر شما...

سخن آخر اینکه امیدوارم در انتخابات ۱۴۰۰، دولتی سر کار بیاید که باور داشته باشد منجی این مردم، خود مردم هستند. باور داشته باشد مردم نه بخشی از راه‌حل، بلکه همه راه‌حل هستند. به جای تمرکز بر سیاست خارجی و آزادسازی اموال بلوکه ایران، بر آزادسازی استعدادها، بلوکه‌های خنجان ایران تمرکز کند. این تنها راه نجات کشور است و هر کس غیر از این را معتقد باشد و عمل نکند، تنها برای خودش و مردم خسران به بار خواهد آورد.



مروری بر دیدگاه امامین انقلاب درباره جایگاه و نقش مردم در حاکمیت و پیشبرد اهداف اسلامی

## مکتب امام (ع) احیاگر امت



یک انگل و سرباز و زیادی در کشور بود، نه صاحب کشور؛ صاحب کشور مردمند؛ بلکه، صاحب کشور داد، صاحب کشور کیست؟ مردم. کار وقتی دست خود مردم سپرده شد - که صاحبان کشورند، صاحبان آینده‌اند - آن وقت کارها به سامان خواهد رسید. تدبیر مسؤولان در هر برهه‌ای از زمان در دوران جمهوری اسلامی، باید این باشد؛ کارها با تدبیر، با برنامه‌ریزی، با ملاحظه همه ظرف‌ای و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛ آن وقت کارها پیش خواهد رفت. ما هم از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را

محول به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسؤولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است. نمی‌گوییم حالا همیشه هم متوقف مانده اما غالباً با متوقف یا کند آ شده؛ اگر متوقف نمانده است، کند پیش گرفته است. اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند. این مخصوص ما هم نیست؛ این را هم عرض بکنم که این مخصوص ما ایرانی‌ها نیست. در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند -[نه] آدم‌های بی‌هدف، آدم‌های سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره شخصی، آن‌ها-، هر چو کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت.» ایشان اعتقاد راسخ به خواست و شرافت مردم را یکی از شاخص‌های انقلابی‌گری

می‌دانند و بی‌توجهی به مردم را انحراف از انقلاب اسلامی بیان می‌کنند: «یکی دیگر از مبنای (انقلابی بودن)، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه می‌کنیم، ترکیب آن می‌شود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ مردم مجزوند، مقاصد برای مردم است، هدف‌ها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است؛ رای مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود.»

رهبر حکیم انقلاب تاکید دارند شرط موفقیت یک تفکر یا جریان و مصلح اجتماعی، ارتباط او با مردم است و هر فکر و جریانی از مردم منقطع شود نمی‌تواند پیش برود: «مسئله اصلی ما، مسأله مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده مردم، عزم راسخ مردم. این را باید عرض کنیم؛ در همه تحولات و جنبش‌های گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است. یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد. هر چه ارتباط او و آن جریان و آن جنبش و آن تحول با مردم بیشتر باشد، امکان موفقیت او بیشتر است؛ اگر از مردم منقطع شد، دبری نخواهد پایید، کاری نخواهد کرد.»

راهبر انقلاب کبیر اسلامی شرط پیشرفت اقتصادی کشور و به سامان رسیدن معیشت مردم را نیز تکیه بر ظرفیت‌ها و توانایی‌های مردم بویژه جوانان می‌داند: «هن خواهش می‌کنم بویژه صاحب‌بنظران و همچنین جوانان و علمه مردم عزیزمان به این نکته توجه کنند. ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم- یعنی اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایه خود و ماسد خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد. برای رونق اقتصادی [آیندا] نگاه کنیم به امکانات درونی کشور و استعدادها را و ظرفیت‌ها را بشناسیم، آنها را بدرستی به کار بگیریم، آن وقت اقتصاد رشد خواهد کرد، نمو خواهد کرد، این یک نگاه.»